

نقش خودآگاهی مادر در هویت دینی دختران

صغری حسینی^۱، زینب هاشمی^۲

چکیده

خودآگاهی یکی از مهمترین مهارت‌ها در زندگی انسان است. خودآگاهی ابعاد مختلفی دارد از جمله: خودآگاهی جسمی، روحی، اجتماعی و معنوی. خودآگاهی معنوی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا افراد با دستیابی به خودآگاهی معنوی، معنای زندگی خود را کسب می‌کنند و این امر در کیفیت زندگی آنها تأثیر عمیق و قابل توجهی دارد. از آنجاکه خانواده و به ویژه مادر در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان تأثیر بسزایی دارد پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و باهدف بررسی نقش معنویت و خودآگاهی معنوی مادر در هویت دینی فرزندان انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که خودآگاهی معنوی مادر در سه بعد: شناختی، عاطفی و رفتاری موجب ایجاد خودپنداره مناسب در فرزندان، رضایت‌مندی فرزندان از قابلیت‌ها، هویت جنسی و جایگاه خانوادگی، نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تداوم نسل، توانمندی و پویایی، پایداری در سختی‌ها، سعی و تلاش در ارتقای کیفیت وظایف دخترانگی خود و تلاش برای استحکام و دوام خانواده خود می‌شود.

واژگان کلیدی: مادر، فرزند، خودآگاهی، خودآگاهی معنوی، هویت دینی.

۱. مقدمه

مهمترین نقش مادر ایجاد فضای معنوی برای تربیت دینی فرزندان است. اثر محیط زندگی بر اخلاق، رفتار عقاید و باورهای انسان بسیار چشم‌گیر است. این اثر بر کودکان به مراتب مهم‌تر و

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی علوم تربیتی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

سرنوشت سازتر است. اگر محیط خانواده محیطی معنوی و همراه با دعا، نماز، قرائت قرآن و مناجات باشد فرزندان این خانواده، معنویت را فراگرفته، آشنا به امور معنوی هستند و در مقابل کودکانی که در خانواده‌های دور از معنویت رشد می‌کنند کمتر با معنویت سروکار دارند. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۵۸) در محیط خانه و خانواده نقش مادر در پرورش دینی پیرنگ تر است. فراهم کردن زمینه‌های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعداد‌های درونی و فطری فرزند از وظایف یک مادر شایسته است به گونه‌ای که فرزند خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد (مجیدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳). یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی در عرصه تربیت، پژوهش‌های مرتبط با نقش خودآگاهی معنوی مادر در هویت دینی فرزندان است. در سال‌های اخیر آثار متعددی در این مورد نوشته شده است مانند (بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۲) کتاب مهارت‌های معنوی که والدین را عامل مهم در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان می‌داند (توکلی، ۱۴۰۰). مقاله نقش والدین در تربیت فرزندان منطبق بر آموزه‌های دینی و سبک زندگی اسلامی شکل‌گیری شخصیت کودک را متأثر از رفتارهای واقعی والدین می‌داند (خیبری و همکاران، ۱۳۹۹). مقاله نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی مادر را نخستین کسی می‌داند که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد، نهال او را آبیاری می‌کند و او را براساس مبادی آداب اسلامی می‌پروراند.

هرچند در تربیت فرزند، والدین هرکدام به صورتی بر فرزند تأثیر می‌گذارند، ولی از آنجاکه فرزند با مادر تعامل بیشتری دارد بیشترین تأثیر را نیز از مادر می‌پذیرد. یکی از مهمترین وظیفه مادر در محیط خانه و اجتماع وظیفه تربیتی است. کودک آداب و رسوم زندگی خانوادگی و اجتماعی را از مادر می‌آموزد و از مادر یاد می‌گیرد که چگونه با دیگران تعامل داشته باشد. چگونگی رفتار مادر با کودک در شکل‌گیری هویت دینی و شخصیت او اثری انکارناپذیر دارد. طرز فکر و رفتار مادر در سازندگی و شخصیت کودک تأثیرگذار بوده و مادر است که می‌تواند کودک را با تعالیم دینی پرورش دهد (توکلی، ۱۴۰۰، ص ۷۸). هدف اصلی پژوهش حاضر آگاهی از نقش خودآگاهی مادر در هویت دینی فرزند است. مادر در تربیت دینی فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کند. مادری

که خودآگاهی دینی دارد، انسان‌های مؤمن و شایسته را پرورش می‌دهد و تقدیم جامعه کند در صورتی که مادری که از خودآگاهی دینی مطلوبی برخوردار نیست نمی‌تواند در پرورش فرزندان با هویت دینی، موفق عمل کند. پژوهش حاضر با پارادایم تفسیرگرایی و شیوه کیفی که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است به دنبال آن است که باتوجه به متون روان‌شناختی و دینی به بازشناسی مفهوم خودآگاهی معنوی در هویت دینی فرزند بپردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. خودآگاهی

خودآگاهی، توانایی توجه به خود و ویژگی‌های مختلف شخصی است که با استفاده از این مهارت، فرد به صورت یک مشاهده‌گر خود را بررسی کند و اطلاعات شخصی خود را پردازش می‌کند. خودآگاهی توانایی مشاهده‌گر بودن خود است. (بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶)

۲-۲. خودآگاهی معنوی

خودآگاهی معنوی، شناخت انسان از بعد معنوی خود، باورها، ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی، جهان بینی و معنای زندگی و همه آگاهی‌هایی است که فرد نسبت به امور فرامادی و روحی-روانی خود دارد.

۳. ابعاد خودآگاهی معنوی مؤثر بر هویت دینی فرزندان

شناخت هر انسانی از خویشتن خویش لازمه درک قابلیت‌های خود اوست. این قابلیت‌ها که در وهله اول در سه بعد شناخت، گرایش و رفتار بوده در موقعیت و بستر روابط او هویدا می‌شوند.

۳-۱. ابعاد شناختی

شناخت، مقدمه همه گرایش‌ها و منشأ تمام رفتارهای انسان است. به همین دلیل در میان سه بعد دیگر وجودی انسان اهمیت بنیادینی دارد. برخی از خودآگاهی‌های مادر که در هویت دینی فرزندان او به‌ویژه فرزندان دختر او مؤثر بوده و در حیطه شناخت‌های اوست عبارتند از:

۳-۱-۱. درک درست از خود و قابلیت‌های خود

یکی از مؤلفه‌های خودآگاهی مادر، شناخت نقاط قوت و ضعف و درک درست از آنها و قابلیت‌های خودش است. برخی افراد نقاط ضعف خود را انکار می‌کنند؛ زیرا توانایی روبه‌رو شدن با آنها را ندارند. برخی دیگر نقاط ضعفشان را به‌قدری بزرگ می‌کنند که خود را فردی ضعیف با ویژگی‌های منفی می‌پندارند. بیشتر افراد در مواجهه با ویژگی‌های منفی خود در موضع غفلت، حمله و یا رنجش قرار می‌گیرند. هیچ‌یک از این مواضع به‌ازمین رفتن ضعف‌ها کمکی نمی‌کند. گاهی حتی فرد از ویژگی‌های منفی خود آگاه نیست و بدتر اینکه حتی آنها را مثبت و ارزشمند می‌داند. چنین فردی در ارتباطات خود نمی‌تواند عملکرد درستی داشته باشد. شناخت و توجه به نقاط ضعف می‌تواند فرد را برای کنترل آنها و انجام عملکرد صحیح یاری رساند. آگاهی از نقاط قوت به افزایش اعتماد به‌نفس و بهبود و ارتقای هرچه بیشتر فرد کمک می‌کند. (مروتی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸) مادری که از خود و توانایی‌های خود شناخت درستی داشته نقاط ضعف و قوت خود را بشناسد، می‌تواند در روابط خود با فرزندان موفق عمل کند، به رضایت بیشتری در زندگی رسیده و در حیطه تربیت نیز به نتایج مطلوبی برسد.

۳-۱-۲. درک درست از روابط خود با خداوند، عالم هستی و جامعه

بیشتر صفات الهی در حیطه رابطه خداوند با مخلوقاتش معنا دارند. برای نمونه خداوند خالق است؛ زیرا مخلوقاتی دارد. رؤف، رحیم، حنان، منان، رازق، غافر و... است؛ زیرا نسبت به مخلوقات و بندگانش اهل مهر و محبت و رحمت است. او به مخلوقات و بندگانش روزی می‌دهد و از عصیان‌ها و اشتباهات آنها می‌گذرد. شناخت این اوصاف الهی در کیفیت خودآگاهی مادر تأثیرگذار است. مادری که می‌داند خداوندی دارد که همواره او را تنها نمی‌گذارد، خداوندی که نسبت به او مهربان است به‌ویژه که مهر خود به فرزندش را درک می‌کند، خداوندی که ناصر است و به او یاری می‌رساند، خداوندی که غافر است و از اشتباهات او می‌گذرد، خداوندی که جابر است و جبران می‌کند، خداوندی که علیم و حکیم است و همه چیز را به‌خوبی می‌داند و خلاصه شناخت خوبی نسبت به خداوند متعال و رابطه او با

خودش دارد خودپنداره‌ای از خود دارد که موجب می‌شود در سختی‌های زندگی دچار یأس و ناامیدی نشود. امروزه باوجود پیشرفت‌های علمی چشمگیری که در زمینه‌های روان پزشکی و روان درمانی به‌وجود آمده است بسیاری از صاحب نظران برجسته، بر دین که مهمترین مقوله آن در قالب ادیان و به‌ویژه ادیان الهی، شناخت خداوند و اهمیت آن در بهداشت روانی و روان‌درمانی است تأکید فراوان دارند؛ زیرا فطرت و درون مایه انسان همواره طالب چنین خداوندی است. خداوندی که رابطه عمیقی با روح آدمی دارد و بشر بدون او مانند فرزندی است که مادرش را گم کرده و دچار اضطراب و اندوه است، پس شناخت خدا و سیروسلوك به‌سوی او لازمه سلامت روان است و چنین شناختی با خویش‌شناسی یکی است. یکی از مهمترین شناخت‌های مادر از خودش که منشأ بسیاری از کردارها و گرایش‌های اوست به کیفیت و کمیت شناخت او نسبت به رابطه او و خداوند متعال است.

۳-۲. ابعاد عاطفی و گرایشی

بعد دیگر انسان، عواطف و گرایش‌های اوست. خودآگاهی مادر بر این بعد وجود او نیز تأثیرگذار است.

۲-۲-۱. ایمان و باورهای مادر

مادر باید در شناخت معارف دینی تلاش کند؛ زیرا معرفت و خودآگاهی دینی مادر یاری‌دهنده او در تربیت دینی است. مادری که آشنا به چنین معارفی باشد، حتی در حوادث زمان در عقیده و رفتارش استوارتر از کوه ایستاده، هیچ تزلزلی در او راه نمی‌یابد. مادری که با جهل و گمراهی وارد امر تربیت شود، یقین بدانند که با جهل هم از آن بیرون می‌رود. شناخت مادر در قالب رهبر، پیشوا و راهنمای فرزند به دینداری نباید سطحی باشد، بلکه باید همراه حکمت و بصیرت باشد. مادر باید معارف دینی را هضم و جذب نماید و خود را متخلق به صفات متعالی کند و در قالب‌های درست و منطقی رسا و ساده به فرزندش منتقل کند (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). انسان با خودآگاهی و درک مفاهیم مربوط به ذات به نفیس بودن گوهر وجودی خود پی می‌برد. تا شخصی به استعدادها، نیروهای درونی، تمایلات، کشش‌های باطن، اهداف الهی

درباره وی و دامنه و قلمرو تغییرات وجودیش آگاه نشود اقدامی در مسیر خودسازی نخواهد داشت؛ زیرا کسی که نفس را شناخت با او به مبارزه برخاسته و کسی که به آن جهل داشته باشد، رهایش می‌کند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ۱۶۴/۷).

مادری که به خودشناسی که نتیجه آن خداشناسی است، رسیده باشد یعنی، به درجه بالایی از ایمان دست یافته است. این‌گونه مادر در پرورش و تربیت دینی فرزندش موفق عمل می‌کند. مادر در تربیت دینی مانند بازیگر نیست که نقش فرد دیندار و دین پرورده را بازی کند، بلکه او باید از درون خود احساس دینی داشته باشد. اگر او به این مرحله از تربیت دینی نرسد و ایمانی از درونش نجوشد رفتارش اثربخش نخواهد بود. می‌توان گفت بدون ایمان، تربیت دینی معنا ندارد؛ زیرا دینداری تنها دانستن حقایق دینی نیست، بلکه راست بودن و راست زندگی کردن است. تازمانی که ایمان به ساحت وجودی مادر نفوذ نکند، نمی‌تواند فرزندی متدین تربیت کند.

۲-۲-۲. محبت و علائق مادر

خداوند خلقت زن را لطیف قرار داده و شعور و احساس ظریف به او محبت فرموده و همین خصوصیات در وظایف محوله به او تأثیر دارد. (یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳) نوع محبتی که مادر می‌طلبد با دیگر افراد فرق دارد. محبتی که به او اعمال می‌شود باید دو خصوصیت داشته باشد: نخست آنکه بلاشرط باشد؛ یعنی به دلیل زیبایی، رشد، شیرین‌زبانی و... نباشد و دوم آنکه سرشار باشد چنان‌که کل وجود او را در خود غرق کند. این دو خصوصیت در محبت مادری وجود دارد. مادر در برابر فرزند چیزی نمی‌شناسد، لذت و عمر احساس نمی‌کند، محبوب او فرزند اوست و برای اوست که گاهی خود را به آب و آتش می‌زند و حتی جاننش را به خطر می‌اندازد. محبت مادر بلاشرطی و یک طرفه است؛ یعنی فقط از سوی اوست و حتی ممکن است برای فرزند توأم با سردی و بی‌تفاوتی باشد. با وجود اینکه کودک مایه رنج و ناراحتی او می‌شود و لطمه و صدمه‌ای بر او وارد می‌کند او لذتی آسمانی از عشق و مهر نسبت به طفل احساس می‌کند.

رشد قوای دماغی کودک در محیط آرام و پر محبت امکان پذیر است. محبت مادر حتی سرنوشت زندگی طفل را معین می کند.

عواملی که هنگام بیماری در درمان طفل مؤثر است مهر و محبت مادری است. نوازش های مادرانه به کودک دل و جرأت می دهد و روحیه او را در برخورد با مشکلات، مصائب و بیماری ها قوی می کند. اینکه کودک در آینده فردی مهرورز باشد یا خشن، با دیگران در جوشش باشد و یا منزوی بسته به محبت امروز مادر است. (قائمی، ۱۳۸۴، ص ۷۹) محبت، اثرگذارترین عاطفه ایمانی است. میل و گرایش انسان به خدا و لذت بردن از اتصال به او و رسیدن به سعادت جاودانی یکی از هویت های عاطفی اوست که توجه و شناخت آن و تقویت و اصلاح آن به ویژه در مادران بر کیفیت تربیت فرزندانشان تأثیرگذار است. برای مثال می توان گفت مادری که حب اهل بیت دارد و در شادی آنها شادمان و در حزن و در عمل هم تابع و پیرو سیره و قول آنهاست به میزان محبتی که در دل به آنها دارد امکان همانندسازی فراهم می آید. رفتارها و جلوه های عملی از زندگی مادر ناخودآگاه در فرزند مؤثر واقع شده او را به سوی فضایل الهی و خوبان و در نتیجه تربیت دینی می کشاند (اسکندری نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱-۱۳۲).

۳-۳. ابعاد رفتاری

۳-۳-۱. روحیه تعبد و بندگی

انسان های متعبد در دامان مادرانی که به امور تعبدی و دینی پایبند بودند، پرورش یافته اند. مادری که ظرف وجودی اش را با یاد خدا صیقل داده است می تواند فرزندی این چنین تربیت کند؛ زیرا تربیت فرزند به گفتن و موعظه نیست، بلکه به عمل و رفتار است. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۴) مادری که همواره تلاش می کند فرامین الهی را در زندگی انجام دهد و نواهی الهی را ترک کند و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نمی کند.

۳-۳-۲. خودسازی

خودسازی برای کسی که می خواهد مادر شود، ضروری است؛ زیرا علاوه بر مسئولیت شخصی خود، مسئولیت سازندگی دیگران یعنی، نسل نو را برعهده دارد. فساد او فساد جامعه و سلامت و

صلاح او صلاح و سلامت جامعه است. بنابراین، مادری که می‌خواهد موجبات رشد و تعالی انسانی را عهده‌دار شود باید قبل از اینکه اقدام به فرزنددار شدن کند خودش در قالب انسان تربیت شود و خودسازی کند؛ یعنی زن بتواند به علم، معرفت و کمالات معنوی دست یابد تا از این راه آمادگی این امر مهم را پیدا کند. (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲؛ توکلی، ۱۴۰۰، ص ۷۸۱) کودک بیشترین تعامل و ارتباط را با مادر دارد. باورها، ارزش‌ها، عبادت و رفتارهای دینی را از او می‌گیرد. در رفتار او را الگوی خود قرار می‌دهد؛ یعنی پرورش هویت دینی فرزند از کارکردهای مادر است (توکلی، ۱۴۰۰، ص ۷۸۱). هیچ مادری نمی‌تواند در این امر مهم موفق شود مگر اینکه تقوای الهی داشته باشد و نتیجه خودسازی، تقوای الهی است. مادر با تقوا، زینش را کنترل دارد. چشم و گوش خود را مراقب است. مرتکب گناه نمی‌شود. معده‌اش در اختیار و کنترل اوست. هر غذای شبیه‌ناکی را در آن نمی‌ریزد. چشم خود را کنترل می‌کند. همه اینها در تربیت دینی فرزندان نقش اساسی دارد (مظاهری، ۱۳۷۰، ص ۴۲). ایمان و تقوای مادر، خیرخواهی و پاک‌دلی او در فرزند اثر دارد. از مادر بدسیرت هرچند پدر خوب باشد کمتر احتمال دارد فرزند پاک و نجیب تربیت شود (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۶). مادری که خودسازی داشته است رفتارهایش در مسیر تکامل قرب الهی انجام شده و تمام اعمال مادر صبغه الهی می‌گیرد. از آنجاکه همه انسان‌ها از جمله کودکان احتیاج به الگو و نمونه عمل دارند و به دنبال الگویی گردند مادر را الگو و نمونه عمل خود قرار می‌دهد. تبعیت از شخصیت مادر، نقش بسیار مهمی در سازندگی فرزند دارد. مادر به‌طور غیرمستقیم با رفتار خود، فرزندش را در مسیر الهی قرار می‌دهد.

۳-۳-۳. یقین و ایمان قلبی

ایمان و باورهای قلبی مادر در تربیت فرزند اثر دارد. فرزند آن‌گونه که مادر هست، تربیت می‌شود نه آن‌گونه که مادر می‌خواهد. بنابراین، اگر مادری می‌خواهد فرزند با ایمان و با هویت دینی مطلوب داشته باشد باید ایمان و باورهای قلبی خود را تقویت کند تا بتواند فرزند با ایمان به خداوند و پاک تربیت کند و به درستی که مردان از دامن زنان به معراج می‌روند. (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۷۹) مادری که خود با باور قلبی و ایمان به خدا، تمام کارهای خود را با نام و یاد خدا آغاز

می‌کند و به پایان می‌رساند زمانی که به نعمتی می‌رسد با ایمان به خدا از خدا شکرگزاری می‌کند، در زندگی تلاش می‌کند و به خدا توکل می‌کند و فرزند متوجه می‌شود که مادر در مشکلات به خدا تکیه و توکل می‌کند و تسلیم نمی‌شود، در کارها رضایت الهی را در نظر می‌گیرد، پس از مادر تبعیت می‌کند و با همین روش بزرگ می‌شود و شخصیت او نیز این چنین شکل می‌گیرد؛ زیرا انسان‌ها به طوری فطری نیاز به راهنما دارند و مادر بهترین راهنمای کودک است.

۳-۳-۴. داشتن روحیه پرورش‌گری

یکی از وظایف تربیتی مادر، فراهم کردن فضای معنوی برای تربیت دینی است. مادر با ایجاد محیط مذهبی و معنوی در خانه، باعث انس فرزند با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات می‌شود. فرزندی که در چنین محیطی پرورش یابد هویت دینی مطلوب خواهد داشت. اگر مادر به اینکه نماز کلید رستگاری و خوشبختی انسان است اعتقاد داشته باشد برای آموزش نماز فرزند وقت می‌گذارد و او را با همین اعتقاد تربیت می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۴۳) یکی از مهمترین موضوعات خودآگاهی مادر، خودآگاهی معنوی اوست؛ زیرا خودآگاهی معنوی مادر ابعاد دیگر را نیز متأثر می‌کند. مادری که اعتقادات دینی قوی دارد نسبت به مادری که کمتر به بعد معنوی توجه می‌کند در ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و تربیتی تفاوت دارد. مادری که ارزش‌های اخلاقی و انسانی دارد ارزش‌ها بر رفتار، باورها، اعمال و فعالیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی وی تأثیر می‌گذارد. معنویت نیاز اساسی انسان است؛ زیرا معنویت به زندگی امنیت، آرامش، معنا و جهت می‌دهد. وقتی معنویت در افراد ضعیف شود ارزش‌ها و اعتقادات وی دچار مشکل می‌شود و حالت‌های روانی منفی مانند گریه، عدم اعتماد به نفس، دوری از خدا، اضطراب و خشم در او مشاهده می‌شود (بوالهروی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱). مادری که این حالات روانی را تجربه کند، نمی‌تواند در تربیت موفق باشد و فرزندان با حالات روانی منفی تحویل جامعه می‌دهد و امنیت اجتماعی نیز با خطر مواجه می‌شود.

۴. کارکردهای مؤثر خودآگاهی معنوی بر هویت فرزندان

۴-۱. پرورش خودپنداره مناسب در فرزندان

افرادی که اعتقادات معنوی دارند انسان را در جایگاه رفیعی می‌بینند. آنها برای هر انسانی حرمت و احترام خاص قائل هستند. آنها احترام و شأن انسان‌ها را وابسته به جایگاه، پست، سواد، زیبایی و ثروت نمی‌دانند. انسان‌هایی که معنویت و خودآگاهی دارند عزت نفس بالاتری دارند. این افراد فضایی سرشار از مهربانی و احترام، مراقبت، همدلی و توجه به فرزندان ایجاد می‌کنند. (بوالهروی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶) مادری که با اعتقادات معنوی رشد کرده و خودآگاهی معنوی دارد باتوجه به عزت نفس بالایی که دارد و با عشق و احترام به فرزندان و مهربانی با آنها فضایی پر از آرامش و آسایش برای آنها ایجاد می‌کند و فرزندان که در چنین محیطی رشد کنند عزت و اعتماد به نفس بالایی داشته و امنیت روحی و روانی دارند. مادری که معنویت در زندگی او کم‌رنگ است برای فرزندان حرمت چندانی قائل نیست و این بی‌حرمتی در اشکالی مانند پرخاشگری، تبعیض، خلف وعده و تحمیل نظر خود بر آنها بروز می‌کند. فرزندان که با این روش تربیت شوند اعتماد و عزت نفس پایینی دارند و احتمال اینکه در جامعه بزهکار و اسیر دام‌های خیابانی شوند، زیاد است.

۴-۲. رضایتمندی از قابلیت‌ها، هویت جنسی و جایگاه خانوادگی

هویت جنسی تصویر و انتظاراتی است که زن یا مرد از خود در قالب جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر دارد. (رئوف ملابری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۰۳) عوامل زیادی در شکل‌گیری هویت جنسی نقش دارند که یکی از مهمترین آنها خانواده است. خانواده در هویت‌یابی مناسب نقش اساسی دارد؛ زیرا رابطه والدین، اخلاق آنها و فضای خانواده در هویت‌یابی فرزندان بسیار مؤثر است. دختران با تقلید از خانواده به هویت جنسی می‌رسند. در بین اعضای خانواده مادر نقش بی‌بدیلی در هویت جنسی فرزندان دارد؛ زیرا هویت جنسی افراد در دوران کودکی شکل می‌گیرد و ارزش‌های فردی را برای دوران بزرگسالی سازماندهی می‌کند. بنابراین، خانواده و افرادی که

کودک در سال‌های اولیه زندگی در تعامل با آنهاست در شکل‌گیری هویت جنسی او نقش اساسی دارند (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹).

۳-۳. تاب‌آوری و پایداری در سختی‌ها و مشکلات زندگی

دختران محبوب در گرمای تابستان همان‌قدر متعهد به رعایت شئونات دینی خود هستند که در هوای سرد زمستان و این‌به‌درک آنها از معنای زندگی برمی‌گردد. بسیاری از این دختران، مادرانی با روحیه معنوی خوب دارند. به همین دلیل درک خوبی از معنای زندگی دارند؛ زیرا داشتن درک درست از معنای زندگی آثار مثبت زیادی مانند رضایت از زندگی، خوشبختی، عواطف و احساسات مثبت مثل امید، سلامت جسمی، کاهش مشکلات و بیماری‌های روانی و اجتماعی مثل خودکشی و مصرف مواد دارد. (بواله‌ری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴) مادری که خودآگاهی معنوی ندارد نه تنها خود با زندگی خود مشکل دارد که در تربیت فرزند نیز موفق عمل نخواهد کرد. چنین مادری به میزان انحرافی که در شناخت‌هایش از مفهوم زندگی دارد خود در زندگی دچار چالش، سردرگمی و نارضایتی است. بنابراین، در پذیرش و تعهد به ارزش‌های اخلاقی نیز مشکل دارد. نمی‌شود از چنین مادری توقع داشت فرزندی با هویت دینی تربیت کند. به ویژه وقتی به دلیل عدم خودآگاهی معنوی، خود دچار مشکلات روانی-اجتماعی نیز شده است و دست به خودکشی می‌زند. فرزند به جای مانده از او چگونه تربیت خواهد شد. چنین فرزندی به دلیل محرومیت از مهر مادری مستعد افتادن در دام انواع مشکلات شخصیتی و فساد است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این باره می‌فرماید: «بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و محبت مادر ندیده‌اند عقده پیدا می‌کنند. این عقده‌ها منشأ همه یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود، این دزدی‌ها، این خیانت‌ها اینها اکثراً از عقده‌هایی است که در انسان هست. بچه‌ها به واسطه محبت نداشتن مادر عقده پیدا می‌کنند، به فساد کشیده می‌شوند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲۹۳/۹).

در جریان هولناک کربلا حضرت زینب علیها السلام با وجود مشکلات و سختی‌های فراوان که می‌توانست هر انسانی را به زانو درآورد هرگز دچار احساس ناتوانی نشد و عملکردی پویا و متناسب داشتند. این احساس توانمندی و پویایی به‌طور قطع ریشه در باورهایی داشتند که مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقش مهمی در شکل‌گیری این بعد شخصیتی ایشان داشت؛ زیرا مادری که خودپنداره خوبی از خود، زندگی و شرایط خود دارد، زندگی‌اش عاری از هدف و برنامه نیست. درک درست از هدف اصلی زندگی به‌ویژه در زمان رخدادهای سخت، برنامه‌ها و اهداف او را منعطف و بروزرسانی می‌کند. این‌گونه موجب می‌شود آرامش، نگاه مثبت، صبر و کارایی انسان در مواجهه با چنین شرایطی نه تنها صدمه نبیند که کامل‌تر و بیشتر شود. (بوالهروی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵) مادری که معنویت و خودآگاهی معنوی دارد برای زندگی و تربیت فرزند، هدفی بالاتر از هدف‌های انسانی قائل است (قرب الهی) و خودش به‌گونه‌ای زندگی می‌کند که به آن هدف برسد و فرزند خود را نیز با این هدف آشنا کرده و در راستای همان هدف تربیت می‌کند. چنین مادری اگر در مسیر تربیت فرزند و زندگی دچار مشکل شد و سختی دید با توجه به معنویت که دارد آرامش ذهنی و روحی نیز دارد؛ دوم، این مشکل را می‌پذیرد و با دید منفی به آن نگاه نمی‌کند، بلکه معتقد است این اتفاقات و رویدادها هدفمند هستند و دنبال حل مسئله است. فرزند نیز از مادر تأثیر می‌پذیرد و مادر را الگوی خود می‌داند، پس با همین عقیده و باور رشد می‌کند و شخصیت او نیز این‌گونه شکل می‌گیرد و با اندک مشکل خود را نمی‌بازد؛ زیرا به خدا وصل است.

امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن تربیت می‌شود. آنچه بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در دامن مادر، بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲۹۳/۹) حال اگر مادری معنویت و خودآگاهی معنوی نداشته باشد فرزندان متزلزل و لوس تربیت می‌کند که تاب و تحمل حتی مشکلات کوچک را ندارند و



واکنش‌های منفی مانند سرزنش خود و دیگران، پیدا کردن مقصر، کفر و ناسزاگفتن به شرایط و احوال، فرار از مشکلات، خالی کردن مشکلات و ناراحتی خود بر سر دیگران، تسلیم، ترس، درماندگی و ناامیدی را از خود نشان می‌دهند غافل از اینکه این‌گونه واکنش‌ها فقط مشکلات را بیشتر می‌کند و نتیجه دیگری نخواهد داشت و این‌گونه فرزندان در آینده نمی‌توانند تکیه‌گاه محکم و قابل اعتمادی برای فرزندان خود باشند. نکته مهم آنکه خودآگاهی معنوی باعث می‌شود فرد با مشکلات روبه‌رو شود و احتمال آنکه بتواند آنها را به درستی حل کند به شدت افزایش می‌یابد (بواله‌ری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶).

۳-۵. برخورداری از نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تداوم نسل

ازدواج از مهمترین رسوم معمول در تمام جوامع است که به دلیل نقش مهم آن در فراهم کردن ساختار و زیربنای تشکیل خانواده و گسترش نسل، مهمترین و بنیادی‌ترین نوع ارتباط معرفی شده است. (نیک خواه و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰) ازدواج از نظر اسلام امری پسندیده، مورد تأکید و عامل تکامل انسان است که در سایه آن هریک از زن و مرد به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه تجلی و رشد ارزش‌های انسانی فراهم می‌شود (روشنی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۷). نگرش‌های کلی والدین درباره روابط و زندگی خانوادگی بر نگرش‌های فرزندان مؤثر است. همان‌گونه که والدین رفتارهای ارتباطی مثبت و منفی را به فرزندان سرمشق می‌دهند فرزندان این رفتارها را تعمیم داده و انتظارات خود از ازدواج و دیگر روابط خانوادگی را بسط می‌دهند (ویلوبی، کارول، ویتاس و هیل، ۲۰۱۲؛ به نقل از روشنی، ۱۴۰۰، ص ۱۸۳). بنابراین، والدین به‌ویژه مادر نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج دارند. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌هایی که درگیری دارند و رفتار والدین تنش‌زاست فرزندان نسبت به ازدواج نگرش منفی دارند و برعکس در خانواده‌هایی که جو مثبت دارند گرایش فرزندان به ازدواج نیز مثبت است (ویلوبی، کارول، ویتاس و هیل، ۲۰۱۲؛ به نقل از روشنی، ۱۴۰۰، ص ۱۸۴).

از آنجاکه مادر و فرزند بیشتر با هم هستند، پس تأثیرپذیری فرزند از مادر بیشتر است و تعاملات مادر در روابط خانوادگی نیز در شکل‌گیری نگرش مثبت به ازدواج در فرزندان مؤثر است. هرچه مادر خودآگاهی معنوی داشته باشد رفتارهایش را در قالب دین قرار می‌دهد از جمله احترام به همسر، احترام به فرزندان و تعاملات زناشویی همه در قالب دین صورت می‌گیرد. بنابراین، فرزندان نیز از مادر تأثیر می‌پذیرند. از آنجاکه دامن مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است در این مدرسه کودک علم، اخلاق و دین می‌آموزد و مهم این است که آنچه کودک در این مدرسه می‌آموزد برای همیشه در نزدش می‌ماند. طفلی که پایه عرصه این جهان می‌گذارد آگاهی و نیرویی ندارد و متکی به مادر است، برای به دست آوردن امکانات آنچه مادر بگوید او عمل می‌کند، براین اساس تا مادر خود را از عوامل فساد و اخلاق نادرست دور ندارد، نمی‌تواند امید به زندگی خوب فرزندش داشته باشد. مادر لجوج، گستاخ، بی‌ادب و بدزبان، کودک خردسالش را در معرض ابتلا به همین صفات زشت قرار می‌دهد. (امینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱) به دلیل ارتباط عمیق روحی و عاطفی بین مادر و کودک مادر می‌تواند از این راه کودک را با ارزش‌های اخلاقی پرورش دهد. مادری که صادقانه رفتار کرده و از دروغ گفتن اجتناب می‌کند فرزندی این‌گونه تربیت خواهد کرد. این مادر است که با عمل به ارزش‌های اخلاقی و تمرین و تشویق می‌تواند آنها را در وجود کودک تقویت و او را در این مسیر هدایت کند؛ زیرا با پند و موعظه، تربیت میسر نخواهد شد. مادری که می‌خواهد فرزندی با فضایل اخلاقی تربیت کند باید خود به آن آراسته باشد تا فرزندش در عمل از او الگو بگیرد (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

امام خمینی رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید: «اول مدرسه‌ای که بچه دارد دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواست، اگر مادر منحرف باشد بچه از همان توی دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند، حرف مادر، خلق مادر و عمل مادر در بچه‌ها اثر دارد. این دامن اگر این دامن طاهر، پاکیزه، مهذب باشد بچه از همین اول که رشد می‌کند با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس

و با آن عمل خوب رشد می‌کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد. این بچه از همانجا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است تربیت می‌شود». (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲۸۳/۷)

۳-۶. سعی در ارتقاء محاسن دخترانگی خود

«مادری که ارزش زن بودن خود و هدف‌هایی که باید با این سمت بدان برسد را بداند و بشناسد، سعی می‌کند کیفیت مادرانگی‌ها و دخترانگی‌های خود را ارتقا بخشد. زن در خانواده یک وقت در نقش همسری، ظاهر می‌شود، یک وقت در نقش مادری ظاهر می‌شود و هرکدام خصوصیتی دارند. در نقش همسری زن در درجه اول مظهر آرامش است؛ زیرا زندگی تلاطم دارد. مرد در این دریای زندگی مشغول کار و تلاطم است. وقتی به خانه می‌آید احتیاج به آرامش دارد. احتیاج به سکینه دارد. این سکینه رازن در خانه ایجاد می‌کند. مرد درکنار زن، احساس آرامش می‌کند. زن مایه آرامش است. در مورد مادری نقش زن، نقش حق حیات است. جان انسان‌ها در مشت مادرهاست. مادرها به فرزند حق حیات دارند. محبتی که خدای متعال در دل مادر نسبت به فرزند قرار داده، یک چیز بی‌نظیر است؛ یعنی هیچ عشقی از این نوع نیست. به این کیفیت نیست که آن را قرار داده. مادر صاحب حق حیات است. مادرها مایه ادامه نسلند؛ یعنی نسل بشر با مادری است که ادامه پیدا می‌کند». (بیانات رهبر انقلاب، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴) باتوجه به بیانات رهبر انقلاب این نکته مشخص می‌شود که هیچ‌کس این توان را ندارد که آرامش را در خانواده هدیه دهد جز زن. پیشرفتی که مردها در هر زمینه‌ای دارند مدیون گذشت و فداکاری زن‌هاست. عزت نفس و اعتماد به نفس فرزندان محصول محبت و عشقی است که مادر نثار فرزند می‌کند. اگر این محبت نثار فرزند نشود و فرزند با خشونت بزرگ شود در بزرگسالی دیگر از اعتماد به نفس، پیشرفت و موفقیت‌های اجتماعی خبری نیست، بلکه قضیه برعکس خواهد بود. فرزندان که به دور از محبت مادر بزرگ شوند اسیر محبت‌های خیابانی و درگیر کارهای

غیراخلاقی می‌شوند. مادری که خودآگاهی داشته باشد توانایی‌های خود را رشد می‌دهد و بیشتر از قبل در زندگی و جایگاه خود موفق و راضی خواهد بود.

۳-۷. تلاش برای حفظ خانواده و محکم شدن بنیان آن

مادر یا دختر و یا خواهر هر سمتی که داشته باشد اگر تربیت مناسب باشد وظایف خود را خوب می‌شناسد و آنها را با هم خلط نمی‌کند و با همسرش رابطه‌ای مانند برادرش ندارد؛ زیرا می‌داند که خانواده‌ای که در آن تمام اعضای خانواده نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند در راه رسیدن به کمال و تعالی، پیشتاز هستند. مادر که مظهر عطوفت، مهربانی و پاکی است در تحکیم بنیان خانواده نقش بسیار مهمی دارد. (پرتوری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲) در طبیعت الهی زن، چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود و هم محیط پیرامون خود را به سمت معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش ببرد. زن در درون خانواده محور مدیریت درونی خانواده است. شمع جمع افراد خانواده است، مایه انس، سکینه و آرامش است. کانون خانواده به وجود مادر آرام می‌گیرد و سکینه و آرامش پیدا می‌کند (بانکی پورفرد، بی تا، به نقل از حسینی، ۱۴۰۱، ص ۲۹). خوش‌زبانی باعث طراوت و شادابی در زندگی است، به زندگی روح می‌بخشد و آن را از خمودی و بی‌معنایی رها می‌کند. خوش‌زبانی زن در خانواده درمقابل همسر و فرزندان موجب تحکیم نهاد خانواده می‌شود. زن در خانواده می‌تواند با خوش‌اخلاقی و خوش‌رفتاری خود درمقابل همسر و فرزندان [و پدر و برادران] موجب استحکام نهاد خانواده شود. اگر زن در خانواده از فضایل اخلاقی و رفتاری مانند صداقت، احترام، گذشت، نرم‌خویی و انصاف بهره‌مند باشد به سادگی از بسیاری از خشونت‌ها و اختلافات ویرانگر و بسیاری از تنش‌ها مصون خواهد ماند. دینداری زن و تربیت دینی فرزندان توسط والدین به‌ویژه مادر می‌تواند موجب استحکام نهاد خانواده شود. زن می‌تواند با حفظ خانواده از آسیب‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری زمینه استحکام خانواده فراهم کند (حسینی، ۱۴۰۱، ص ۲۹). وقتی چنین مادری فرزند دختری داشته باشد الگوی خوبی برای اوست تا دخترش

براساس آن چیزی که سال‌ها در آغوش مادر یادگرفته، با آن خو گرفته و بر عمق جانش نقش بسته، حافظ و استحکام‌بخش بنیان خانواده خود باشد.

۴. نتیجه‌گیری

والدین مؤلف هستند در تربیت و شکل‌گیری شخصیتی و هویت دینی فرزندان همت گمارند. از آنجاکه مادر نقش مهمتر و حضور پررنگ‌تری در زندگی فرزندان دارد مسئولیت بیشتری در این قسمت متوجه مادر است. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهمترین نقش مادر، فراهم کردن فضای معنوی برای تربیت دینی فرزندان است. مادر می‌تواند با ایمان قلبی، تعبد و بندگی، اخلاق و رفتارهای دینی، فضای مناسب دینی و معنوی را در محیط خانواده فراهم کند؛ زیرا اثر محیط زندگی بر اخلاق و رفتار انسان به‌ویژه کودک مهم و سرنوشت‌ساز است. از آنجاکه مادر از همه کس به فرزند مهربان‌تر، نزدیک‌تر و بیشتر از هرکس دیگری مورد اعتماد اوست بهتر می‌تواند با تربیت دینی و سازنده خود به رشد فکری، روحی و معنوی کودک کمک کند. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۹۰)

فهرست منابع

۱. احسانی، محمد (۱۳۸۷). نقش مادران در تربیت دینی فرزندان. قم: دفتر عقل.
۲. اسکندری‌نژاد، خدیجه (۱۳۸۹). نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند. نشریه طهورا، سال ۳، شماره ۷، ۱۰۷-۱۴۴.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۹۱). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: بوستان کتاب.
۴. آیت‌اللهی، زهرا، و دیگران (۱۳۹۱). اخلاق در خانواده. قم: دفتر نشر معارف.
۵. بوالهروی، جعفر، و همکاران (۱۳۹۲). مهارت‌های معنوی (کتاب ویژه مربیان). تهران: مرکز مشاوره دانشگاه تهران.
۶. پرتوری، رعنا؛ امیری‌بینگجه، معصومه، و پرتوری، فرحروز (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در نقش زن بر این تحکیم بنیان خانواده. تهران: کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه دوره برگزاری ۲، دانشگاه الزهراء (ع)،
۷. توکلی، نسرين (۱۴۰۰). نقش والدین در تربیت فرزندان منطبق بر آموزه‌های دینی و سبک زندگی اسلامی. نشریه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۵)، ۷۷۸-۷۸۵.
۸. حسینی، سید باقر، و ولایتی‌فاضل، ابراهیم (۱۴۰۱). نقش زن در تحکیم نهاد خانواده از منظر قرآن و حدیث. نشریه پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال ۵، شماره ۴۶، ۲۵-۳۲.
۹. روشنی، شهره (۱۴۰۰). نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش‌های آنان در زمینه ازدواج در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج. نشریه اسلامی زنان و خانواده، سال ۹، شماره ۲۵، ۱۷۵-۱۹۸.

۱۰. رئوف ملایری، مریم.، و همکاران (۱۳۹۷). نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسی دختران. نشریه پژوهشی آموزش و بهداشت و ارتقای سلامت ایران، ۳(۶)، ۳۰۲-۳۱۱.
۱۱. طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث شیعه. تهران: فرهنگ سبز.
۱۲. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). دوران طلایی تربیت تا هفت سالگی. قم: نورالزهرا علیه السلام.
۱۳. قائمی، علی (۱۳۸۴). نقش مادر در تربیت. تهران: امیری.
۱۴. مجیدی، هادی (۱۴۰۰). نقش مادر در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر مراحل پیش از تولد و پس از آن. نشریه پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی با رویکرد اسلامی، سال اول، شماره دوم، ۱۱۱-۱۳۱.
۱۵. مروتی، سهراب.، و همکاران (۱۳۹۸). خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث. نشریه علمی-پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱(۲۴)، ۱-۱۸.
۱۶. مظاهری، حسین (۱۳۷۰). تربیت فرزند. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. نیک‌خواه، هدایت‌الله.، و همکاران (۱۳۹۶). سنجش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. نشریه جامعه-شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره پیاپی ۶۷، شماره ۳، ۹۹-۱۲۲.